

جایگاه آموزشی و پژوهشی کتابخانه ملی ایران

حاضران:

دکتر عباس حری:

استاد بازنشسته علوم کتابداری و
اطلاعرسانی دانشگاه تهران؛



دکتر فریبرز خسروی:

معاون اسناد سازمان اسناد و
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛



استاد عبدالله انوار:

نسخه پژوه؛



استاد کامران فانی:

عضو هیئت علمی کتابخانه ملی و عضو
پیوسته فرهنگستان زبان و
ادب فارسی؛



دکتر نورالله مرادی:

مشاور رئیس سازمان اسناد و
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و
دبیر نشست.



کتابخانه ملی هر کشوری وظیفه حفظ و حراست از فرهنگ و تمدن آن کشور را بر عهده دارد. بنابر این اصل وظیفه خطیر گردآوری منابع مضبوط و غیر مضبوط در سطح ملی بر عهده این کتابخانه می باشد. از طرفی نیز کتابخانه ملی وظیفه رهبری و هدایت سایر کتابخانه ها را عهده دار است. همانگونه که در اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران آمده است، این کتابخانه مؤسسه ای است آموزشی (علمی)، تحقیقاتی و خدماتی. بنابراین دو وظیفه مهم ذکر شده در اساسنامه عبارت از آموزش و پژوهش می باشد. از آغاز فعالیت این کتابخانه تا به امروز فعالیت هایی در این دو زمینه موضوعی انجام پذیرفته است. از این رو فرصتی دست داد تا فعالیت های انجام پذیرفته در این دو حیطه موضوعی مورد بررسی قرار گیرد تا چراغ راهی برای فعالیت های آتی باشد. به این منظور نشستی با اساتید این حوزه برگزار گردید که در ادامه می خوانید.



دکتر حری:
توسعه فرهنگ و حمایت
از فرهنگ ملی و توسعه
علم در مقیاس ملی جزء
وظایفی است که هر
کتابخانه ملی با توجه به
کاری که انجام می‌دهد،
خود به خود بر عهده‌اش
می‌گیرد

مدیریت کتابخانه ملی و امکانات موجود، و نیز راهنمایی‌هایی که به مدیریت می‌شود، بستگی دارد.

دکتر مرادی: آقای دکتر حری نظر شما درباره وظیفه کتابخانه ملی چیست؟ اگر دو وظیفه یادشده را وظایف مهم و اختصاصی کتابخانه ملی ایران در نظر بگیریم.

دکتر حری: از دو دیدگاه می‌شود به این قضیه نگاه کرد، یکی اینکه اساساً کتابخانه ملی، به‌عنوان کتابخانه ملی اعم از اینکه برای آن کار مشخصی تعریف شده باشد یا نه، به‌صرف ملی‌بودن، این وظیفه را دارد؛ یعنی توسعه فرهنگ و حمایت از فرهنگ ملی و توسعه علم در مقیاس ملی جزء وظایفی است که هر کتابخانه ملی با توجه به کاری که انجام می‌دهد، خود به خود بر عهده‌اش می‌گیرد. از جمله وظایف کتابخانه ملی این است که تمام دانش مضبوط را به هر شکلی که هست و در داخل کشور منتشر می‌شود یا مرتبط به کشور است یا مرتبط به عناصری از کشور است، باید گردآوری کند. این بدان معناست که هیچ جای دیگری چون این وظایف و زیرساخت‌ها را ندارد، قطعاً نمی‌تواند خدماتی را که باید به حوزه علم و فرهنگ و تمدن بکند، انجام دهد. اما رویکرد

دکتر مرادی: موضوع این نشست بررسی نقش کتابخانه‌های ملی، به‌خصوص کتابخانه ملی ایران، در دو حوزه تحقیق و آموزش کشور است. دو وظیفه از وظایف مهم کتابخانه ملی یکی معرفی و پاسداری از فرهنگ و تمدن ایران و دیگری کمک به کتابخانه‌های کشور و رهبری آنهاست. ابتدا از آقای انوار خواهش می‌کنم، نظرات خودشان را در این زمینه مطرح کنند.

انوار: با این دو وظیفه‌ای که برای کتابخانه ملی برشمردید، موافقم. کتابخانه ملی وظیفه رهبری پژوهش در کتابداری را در سطح ملی و همچنین هدایت کتابخانه‌های کشور را به‌عهده دارد. زیرا این کارها هم هزینه زیادی می‌طلبد و هم به نیروی انسانی متخصص و برنامه‌ریزی نیاز دارد. در همان زمانی که بنده در کتابخانه ملی خدمت می‌کردم، به این امر واقف بودم و اعتقاد داشتم که کتابخانه ملی باید مرکز علمی مملکت باشد. اما در آن موقع، متأسفانه، وسائل و امکانات آن قدر نبود که این کار را بتوان به سرانجامی رساند. حتی اگر حوزه علمی ایران دارای چندین شعبه هم باشد، باز برای اداره‌کردنش باید از کتابخانه ملی مدد گرفت. اما اینکه چگونه این کار انجام شود و چه سیاستی را باید درپیش گرفت، به

به این وظیفه عمل می‌کنند، جای بررسی دارد. خوشبختانه دو تن از کارشناسان کتابخانه این مسئله را در دست بررسی دارند. اطلاعاتی که من تا چندی پیش داشتم، نشان می‌داد که بخش دولتی ناموفق‌تر از بخش خصوصی است. یعنی ناشران خصوصی به این وظیفه خیلی بهتر عمل کرده‌اند و متأسفانه ناشران دولتی در این حوزه کم‌کارتر بوده‌اند و ما کسری بیشتری در حوزه نشر دولتی داریم.

شیوه دیگر فراهم‌آوری منابع، خرید آنهاست. خرید کتاب‌های داخل کشور، کتاب‌های خطی و کتاب‌های نادری که عرضه می‌شود و کتاب‌های سایر کشورها به زبان‌های دیگر در حوزه‌های علوم به‌صورت کلی و حوزه‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی به‌صورت خاص. در این دو مورد هم طی چهار پنج سال اخیر خوشبختانه فعالیت‌های خوبی صورت گرفته است. اگر دقیق‌تر بخواهم اشاره کنم، ظرف هشت سال اخیر نسبت به گذشته فعالیت‌های خوبی انجام پذیرفته است.

شیوه سوم هم ایجاد انگیزه برای اهدای مجموعه‌ها به کتابخانه و استفاده از مبادله در تکمیل مجموعه است که تاکنون شاهد اهدا و مبادلات ارزشمندی بوده‌ایم.

دکتر مرادی: آقای فانی تا اینجا درباره دو وظیفه اصلی کتابخانه ملی - معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی؛ و کمک کتابخانه ملی، به‌عنوان کتابخانه مادر، به سایر کتابخانه‌های کشور در حوزه علم کتابداری و امور کتابخانه‌ای - بحث شد که آقای دکتر حری فرمودند که این دو اصل در اساسنامه کتابخانه ملی آمده است. دیدگاه شما در این باره چیست؟

فانی: آقای دکتر خسروی مسائل را خیلی دقیق بیان کردند. اجازه دهید من موضوع را از ادامه صحبت‌های ایشان پی‌بگیرم، یعنی باید چه کار کرد؟ بدون تردید همان‌طور که مطرح شد وظایف اصلی کتابخانه ملی در همین دو حوزه است، یعنی حوزه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی و حوزه اطلاع‌رسانی. البته کتابخانه یک مقدار مسائل نظری را باید حل کند و در عمل هم باید سعی کند که به مسائل نظری جامه عمل بپوشاند. در این زمینه من فکر می‌کنم که با وجود اینکه کوشش‌های زیادی صورت گرفته، ولی کتابخانه ملی هیچ‌وقت برنامه‌ریزی نکرده است. به‌نظر من ما در زمینه مجموعه‌سازی، به‌خصوص در حوزه ایران‌شناسی، ناموفق بودیم و فکر می‌کنم بدون یک برنامه‌ریزی بلندمدت هم نتوان مشکلات را حل کرد. ببینید کتابخانه ملی به چند شکل کتاب دریافت می‌کند.

دیگری ناظر بر شرح وظایف است. خوشبختانه این دو نکته را که اشاره کردید، صراحتاً در اساسنامه کتابخانه ملی ایران آمده و حاکی از حمایت از فرهنگ و علم بومی و مسائلی از این نوع است که مصوب هم شده است. حالا این حمایت می‌تواند بر اساس گردآوری و سازمان‌دهی منابع باشد، یا براساس تحقیقاتی که در این حوزه‌ها می‌شود، یا به زیرساخت‌های تحقیقاتی مربوط است که فراهم می‌کند، یا کمک به دانش پژوهانی است که در این زمینه‌ها در مقیاس دانشگاهی و پژوهشگاهی تحقیقاتی انجام می‌دهند.

دکتر مرادی: آقای دکتر خسروی نظر شما درباره این دو محور که آقای دکتر حری اشاره کردند که در اساسنامه کتابخانه آمده است، چیست؟ دیگر اینکه چون سال‌ها معاون کتابخانه

برای عمل به وظیفه میراثی از سه طریق عمل می‌شود. یکی قانون و اسپاری است؛ شیوه دیگر فراهم‌آوری منابع، خرید آنهاست. شیوه سوم هم ایجاد انگیزه برای اهدای مجموعه‌ها به کتابخانه و استفاده از مبادله در تکمیل مجموعه است که تاکنون شاهد اهداء و مبادلات ارزشمندی بوده‌ایم

ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی بودید، این کتابخانه در این سال‌ها در انجام این دو کار چقدر موفق بوده است؟

دکتر خسروی: مسئله را از یک زاویه دیگری هم می‌توان دید. کتابخانه ملی دو وظیفه اساسی دارد. یک وظیفه میراثی؛ یعنی موظف است آثار منتشرشده ایرانیان در داخل و خارج از کشور را گردآوری کند و همچنین باید آثار مربوط به ایران را که از سوی سایر ملت‌ها و به سایر زبان‌ها منتشرشده است، گردآوری کند؛ و وظیفه دوم ایجاد زمینه لازم برای اطلاع‌رسانی درباره این منابع و تسهیل پژوهش در این حوزه است. این وظیفه، به‌ویژه وقتی که به حوزه ایران و اسلام می‌رسد، حسب اساسنامه پرنگ‌تر می‌شود.

برای عمل به وظیفه میراثی از سه طریق عمل می‌شود. یکی قانون و اسپاری است؛ یعنی ناشران موظفند نسخه‌هایی از کتاب‌های خود را در اختیار بعضی از کتابخانه‌ها قرار دهند. اینکه قانون و اسپاری تا چه حد جاری است و چقدر ناشران

کتاب‌های چاپ ایران، چه کتاب به فارسی باشد چه به زبان‌های دیگر، طبق قانون همه ناشران خصوصی و دولتی موظفند که دو نسخه از کتاب خود را در اختیار کتابخانه ملی بگذارند. بر این اساس از زمان تصویب این قانون حداقل تمام کتاب‌های داخل ایران را می‌توانیم در کتابخانه ملی داشته باشیم. دومین مسئله این است که کتابخانه ملی خود تا چه حد باید کسری مجموعه خودش را رفع کند، چه کسری‌ای که در گذشته داشته از داخل ایران چه کسری‌ای که مربوط به کتاب‌های خارج از ایران است. در این خصوص همیشه تلاش شده کتابخانه به وظیفه خود عمل کند، ولی در ادوار مختلف چون برنامه‌ریزی درازمدتی برای حل این مشکل نداشتیم، دچار نوسانات خیلی زیادی شده‌ایم. بعضی سال‌ها بسیار خوب بوده و بعضی سال‌ها هم عملکرد ضعیفی داشته است که باید دید چرا این مسئله پیش آمده است. آیا فقط مسئله مشکل بودجه است که البته مسئله مهمی است، مسئله نیروی انسانی است، مسئله نداشتن علاقه به جمع‌آوری این مجموعه است، ضعف کارمندان یا عدم در دسترس بودن امکانات است، یعنی شما اگر بودجه کافی داشته باشید، افراد علاقه‌مند هم برای پی‌گیری و انجام این مهم داشته باشید، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

درباره کتاب‌هایی که اصولاً پیدا کردنشان سخت است، چه کاری باید کرد؟ اگر مجموعه این مسائل را در نظر بگیریم و یک برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت داشته باشیم، معتقدم کتابخانه ملی بعد از چند سال حداقل می‌تواند مطمئن شود که در راه تکمیل مجموعه کوشیده است. درباره کتاب‌های داخل ایران، که به‌نظم وظیفه اصلی کتابخانه ملی است، مجموعه‌ای داریم که مربوط به قبل از تصویب این قانون هاست که کتاب را در اختیار کتابخانه می‌گذاشتند. بسیاری از کتاب‌هایی را که از زمان راه‌اندازی چاپ در ایران تاکنون منتشر شده موجود نداریم. قدم اول برای این کار این بود که فهرستی تهیه کنیم از کتاب‌هایی که در کتابخانه ملی نیست، ولی در ایران چاپ شده است.

از آغاز چاپ در ایران یعنی از سال ۱۲۳۱ قمری تاکنون حدود ۲۰۰ سال می‌گذرد. در این مورد حداقل ما باید نام و عنوان این کتاب‌ها را داشته باشیم و بعد بررسی شود که از چه راه‌هایی می‌توان این کتاب‌ها را تهیه کرد. حدود بیست سال پیش ما کتاب‌شناسی مشار را با موجودی کتابخانه مقایسه کردیم که میزان کسری‌ها مشخص شود؛ مقصود از آن چاپ‌های مختلف هر کتاب است، یعنی اگر دیوان حافظ

صدها بار چاپ شده باشد، کتابخانه ملی باید همه را داشته باشد. کتابخانه‌های دیگر اگر یک نسخه از یک کتاب داشته باشند، کافی است، ولی کتابخانه ملی باید تمام چاپ‌ها را داشته باشد، زیرا از این طریق می‌توان سیر چاپ و نشر را در ایران نشان داد. البته کتاب‌شناسی مشار کتاب‌شناسی کاملی نیست، حدوداً بیست و چهار درصد از کتاب‌ها را ندارد. این فهرست تهیه شد. اگر ما از همان زمان تهیه این کتاب‌ها را شروع می‌کردیم، امروز اکثر این کتاب‌ها به‌نحوی در اختیار کتابخانه ملی قرار داشت.

در زمینه کتاب‌های خارجی مشکل بیشتر بود. در درجه اول مشکل اصلی فهرست کتاب‌های منتشر شده درباره ایران بود. برخی از کتاب‌شناسی‌ها موجود بود. کتاب‌شناسی فرانسوی و انگلیسی و تا حدی هم آلمانی درآمده بود و ما حداقل فهرست آنها را در دست داشتیم. فقط چگونگی به‌دست آوردن کتاب‌ها مطرح بود. به هر حال این مسئله متکی بود بر بودجه و نیروی انسانی که بتواند عمل کند که البته هیچ وقت انجام نشد. حتی فهرست کامل هم تهیه نشد. به اعتقاد من یکی از وظایف اصلی کتابخانه این است که اگر خود کتاب را نداشته باشد، حداقل نام کتاب را باید داشته باشد، بداند که ما چه کتاب‌هایی را کم داریم. شاید در آینده از این طریق بشود فهرست مشترک با کتابخانه‌های داخل ایران تهیه کرد و سپس در خارج اطلاع‌رسانی خوبی انجام داد. مثلاً محل کتاب‌هایی را که در کتابخانه ملی نیستند و در سایر کتابخانه‌ها هستند، به مراجعه‌کننده اعلام کنیم. مسئله مهم این نیست که کتاب در کجا هست، مسئله مهم این است که مراجعه‌کننده بداند کتاب را در کجا می‌تواند پیدا کند و این کاربرد فهرست مشترک است که بسیار هم کارگشا است.

این مسئله درباره نسخ خطی هم مطرح است. ما اگر یک فهرست مشترک نسخ خطی لاقط در ایران تهیه کنیم، چنانکه در جهان در حوزه جهان اسلام در شرف تهیه و تدوین است، حداقل در قدم اول جای کتاب و نحوه دسترسی به آن را می‌توانیم در اختیار مراجعه‌کننده قرار دهیم. در واقع کتاب‌های خارجی هم از طریق تهیه یک فهرست مشترک از کتاب‌هایی که درباره ایران در چند کتابخانه داخل ایران است - مثلاً کتابخانه ملی، کتابخانه شماره دو مجلس، کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - قابل دسترسی خواهد بود. در مرحله بعد نسخه‌ای از کتاب را می‌توان از طریق زیراکس یا کپی برای کتابخانه ملی تهیه کنیم. به این صورت فکر می‌کنم که اگر برنامه جدی‌ای داشته باشیم، می‌توانیم امیدوار

فانی:

یکی از وظایف اصلی کتابخانه این است که اگر خود کتاب را نداشته باشد، حداقل نام کتاب را باید داشته باشد، بداند که ما چه کتاب‌هایی را کم داریم این کتاب‌ها در چه کتابخانه‌هایی هستند، تا محل کتاب‌هایی را که در کتابخانه ملی نیستند به مراجعه‌کننده اعلام کند

باشیم که کتابخانه ملی حافظ میراث مکتوب ایران باشد. درخصوص وظیفه دوم یعنی اطلاع‌رسانی باید گفت که وظیفه اول کتابخانه ملی اطلاع‌رسانی در حوزه کتابداری است. در وهله اول باید کتاب‌شناسی‌های مختلف در حوزه‌های تحقیقی تهیه شود. کتاب‌شناسی‌ها هم فقط به صورت خیلی ساده نباشد. کتاب‌شناسی توصیفی و در درجه اول موضوعی باشد. می‌دانید که فقط رهیافت موضوعی به مراجعه‌کننده کمک می‌کند که دنبال چه کتابی است. بنابراین کتابخانه ملی در حوزه اطلاع‌رسانی باید جامع و کامل عمل کند، نه اینکه صرفاً درباره یک مسئله رأساً تحقیق کند. وظیفه کتابخانه ملی این است که منابعی را که در مورد هر موضوعی وجود دارد، در اختیار محققان قرار دهد. این کار پژوهشی و وظیفه پژوهشی کتابخانه در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی

انوار: اینکه می‌فرمایید کتابخانه ملی ایران باید میراث‌دار تمدن اسلامی و ایرانی باشد، نکته بسیار مهم و خوبی است. امیدوارم به این فکر توجهی شود، زیرا من که قبل از انقلاب حدود بیست‌و‌اندی سال در کتابخانه ملی بودم، نه تنها چنین توجهی را ندیدم، بلکه بعکس آنهایی که به کتابخانه می‌آمدند، با کتاب‌آشنایی نداشتند و به این کار هم علاقه‌مند نبودند.

اجازه دهید یک نمونه از بی‌توجهی به کتاب‌های معتبر در کتابخانه ملی برایتان نقل کنم. ناصرالدین‌شاه در سفر فرنگ چون مهمان ملکه ویکتوریا شد، این ملکه کتاب «تاریخ ایران» نوشته مارخام را به امضای خود به ناصرالدین شاه اهدا کرد، شنیدم که سال‌ها پیش همین صفحه امضای ویکتوریا را که اهمیت کتاب به آن بسته بود از کتاب کردند و پاره کردند. خوب به خاطر دارم زمانی که در کتابخانه ملی کار می‌کردم، کتاب حل‌المسائل هندسه (اف - ژ - ام) را که کتاب نادر و بسیار مهمی در هندسه است، روزی داخل کاغذ پاره‌های کتابخانه ملی پیدا کردم، آن را برداشتم و به صحافی کتابخانه دادم تا تعمیر کند و پس از تعمیر جزء کتاب‌های فرانسه کتابخانه ملی قرار دادم. اینها نمونه‌ای از بی‌علاقه‌بودن به کتاب در کتابخانه ملی بود. از اینها گذشته کتابخانه ملی باید واجد کتاب‌های علمی جدید باشد، چون کتاب‌های ریاضی و فیزیک و علوم جدید کاربرد زیادی داد، خاطر هست که یک بار مراجعه‌کننده‌ای که مشکلی در حل یک معادله دیفرانسیلی داشت، پس از رفع مشکلش به من گفت چرا کتابخانه ملی اینگونه کتاب‌ها را کمتر دارد. شنیده‌ام که برگسون، فیلسوف معروف فرانسوی، یک صندلی در سالن قرائت کتابخانه ملی فرانسه داشت و هنوز هم بعد از مرگ او این صندلی در آن سالن به احترام او حفظ می‌شود. چرا ما نباید از اینگونه صندلی‌ها در سالن کتابخانه ملی داشته باشیم.

به‌نظرم تعداد کارمندان کتابخانه ملی زیاد است، وجود تعداد زیادی کارمند باعث می‌شود که کارمند بی‌علاقه، انگیزه را از کارمندان کوشا بگیرد و در کار آنها خلل ایجاد کند.

انوار: شنیده‌ام که برگسون، فیلسوف معروف فرانسوی، یک صندلی در سالن قرائت کتابخانه ملی فرانسه داشت و هنوز هم بعد از مرگ او این صندلی در آن سالن به احترام او حفظ می‌شود

است. کتابخانه در درجه اول کتاب و در درجه دوم، اطلاعاتی را که درباره یک موضوع و کتاب‌ها و آثاری که درباره یک موضوع وجود دارد، در اختیار مراجعه‌کننده قرار می‌دهد.

دکتر مرادی: اینجا دو مسئله عمده قانون واسپاری و وظیفه کتابخانه ملی درباره گردآوری و حفظ و نگهداری آثار مکتوب - و در دوره ما که غیرمکتوب‌ها را هم باید به آنها اضافه کنیم - مطرح شد. ولی این تفاوت را باید قائل شویم که این نگهداری نسبت به کتابخانه‌های دیگر که به جنبه اطلاع‌رسانی کمک می‌کنند، حالت آرشیبوی دارد. به همین علت آیا تصور نمی‌کنید که دیگر ضرورتی برای فعالیت در طرح‌هایی مثل امانت بین کتابخانه‌ها برای کتابخانه ملی غیرضروری است؟

فانی: بله، چون کتابخانه ملی هیچ کتابی را بیرون از کتابخانه به امانت نمی‌دهد. به هر حال در درجه اول اصل همان گردآوری و نگهداری است. ولی وظیفه اصلی کتابخانه حفظ

خوشبختانه امروز کتابخانه ملی دارای ساختمان وسیع و مجهزی شده است و دیگر آن ناراحتی زمان ما را ندارد. بد نیست واقعه‌ای را که به این امر مربوط است، برایتان نقل کنم تا بدانید مسئله ساختمان و تجهیزات در کار میراث‌داری چه اهمیتی دارد. یک شب پاییزی بود که باران سختی می‌بارید. در آن شب آقای دکتر علی‌اکبر شهابی، برادر استاد محمود شهابی، برای نسخه خطی به کتابخانه آمده بودند. وقتی که با ایشان مشغول بحث درباره جمله‌ای از کتاب خطی مزبور بودم، صدای چکه‌ای شنیدم که از مخزن می‌آمد. به قسمت مخزن خطی رفتم و دیدم از طریق رخنه‌ای در سقف مخزن نسخ خطی به شدت باران داخل مخزن می‌شود. خودتان تشخیص می‌دهید که چه وضعی داشتم، ناچار با پیشخدمت کتابخانه به سقف مخزن در پشت بام رفتم، با کمک او گونی در محل رخنه گذاشتیم تا از ورود آب به مخزن جلوگیری شود. به آقای دکتر شهابی گفتم کسی به حرف ما گوش نمی‌دهد، شما فردا این حادثه را به مرجع لازم نقل کنید تا شاید کسی به داد ما برسد.

خوب به خاطر دارم که کتاب‌های فرانسوی کتابخانه را در اتاقی گذاشته بودند که آفتابگیر بود و در تابستان آنقدر آفتاب به آن کتاب‌ها خورد که جلدهایشان چروک خورد، یک روز که وزیر مربوط به کتابخانه آمد، آن وضع را به او گزارش دادم تا شاید کاری بکند، ولی او دید و اعتنایی نکرد. اگر کتابخانه سامان داشته باشد، خیلی کارها می‌توان انجام داد، مثلاً برگه‌های کتابداری (فیش کتاب) چاپی، خیلی نامرتب و قدیمی تنظیم شده بود و برای تنظیم و تحریر مجدد آنها یک گروه هشت نفری از کارمندان علاقه‌مند تشکیل دادیم و با هدایت خانم نوری به آنها برگه‌نویسی جدید را آموزش دادیم و با تلاش آنها پنجاه‌هزار عنوان کتاب برگه‌نگاری شد و عصرها که از کار خود فارغ می‌شدم، این برگه‌ها را کنترل و بررسی می‌کردم و به قسمت حروف‌چینی می‌فرستادم. با این عمل هم تعدادی برگه‌نویس تربیت شدند و هم برگه‌ها مطابق روز وارد برگه‌دان‌ها شد.

هیتر یک دوره کتاب‌های درجه یک آلمانی به ایران هدیه کرده بود، نمی‌دانم در این تغییر و تحول‌ها بر سر آنها چه آمده است. پس از انقلاب در روسیه کتاب‌های روسی باارزشی از منابع تزاری مقیم در ایران که بی‌صاحب مانده بود، به کتابخانه ملی منتقل شد. کتابخانه آنها را عاطل گذارده بود و ما نتوانستیم یک روسی‌دان برای آنها استخدام کنیم. این بود شمه‌ای از خاطراتم در کتابخانه ملی که امیدوارم امروزه

آنها وجود نداشته باشند تا کتابخانه بتواند میراث‌دار فرهنگ ایرانی و اسلامی شود.

دکتر مرادی: آقای دکتر حری در صحبت‌های آقای فانی و آقای انوار چندین بار این قضیه گفته شد که علم نو را باید داشته باشیم و متون قدیم را هم گردآوری و حفظ کنیم. ولی اگر تاریخ کتابخانه ملی را نه در ایران بلکه در دنیا نگاه کنیم، پدیده خیلی جدید یا نسبتاً جدیدی است که شاید حدود ۲۰۰ یا ۲۵۰ سال از عمرش بگذرد. یعنی کتابخانه ملی به دلیل انقلاب صنعتی و پیشرفت آموزش و تحقیق و تأسیس دولت ملی به وجود آمد و به همین علت هم این دوگانگی را در ساختش می‌بینید که هم حافظ سنت است و هم خودش فرزند مدرنیته، و فکر می‌کنم که کتابخانه ملی ایران هم از این موضوع مستثنی نیست. هر اندازه آموزش و تحقیق بیشتر رشد کند، طبیعتاً کتابخانه ملی باید شکوفاتر و بهتر شود. حالا با توجه به این موضوع شما وضع آموزش و تحقیق را چگونه ارزیابی می‌کنید و نقش کتابخانه ملی در پیشرفت این دو موضوع چقدر است؟

دکتر حری: من با اشاره به اساسنامه این موضوع را بررسی می‌کنم. در ماده یک اساسنامه آمده است: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که در این اساسنامه کتابخانه ملی نامیده می‌شود، مؤسسه‌ای است آموزشی (علمی)، تحقیقاتی و خدماتی. فکر می‌کنم تمام اینها در دو وجه خلاصه می‌شود: تحقیقاتی و خدماتی. موضوع آموزش که در رأس اساسنامه به آن اشاره شده، به علت اختلاف نظری بوده است که بین گروهی پیش آمده است. عده‌ای معتقد بودند که کتابخانه ملی مؤسسه‌ای علمی تحقیقاتی و خدماتی است و گروهی دیگر معتقد بودند که مؤسسه‌ای آموزشی، تحقیقاتی و خدماتی است. این امر باعث شد که فعالیت کتابخانه ملی تلفیقی از این موارد باشد. ولی موضوع آموزش ظاهراً در کتابخانه ملی بد تفسیر شده است. کتابخانه ملی اساساً قرار نیست نقش یک دانشگاه، دانشکده یا چیزی شبیه به آنها را به عهده بگیرد. به دلیل اینکه تداخل وظایف پیش می‌آورد. آن ایامی که من فرصت همکاری با کتابخانه ملی را داشتم، بارها اشاره کرده بودم که به جای اینکه افرادی را در مقاطع دانشگاهی تربیت کنیم که متعهد به ارائه خدمت در کتابخانه ملی باشند، باید بهترین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را جذب کنیم. این خیلی اقتصادی‌تر و علمی‌تر است. در کتابخانه ملی اگر آموزشی هست، از نوع

دکتر حری:
یکی از وظایف کتابخانه ملی فراهم کردن شرایط و زیرساخت‌های تأمین نیازهای تحقیقاتی برای مراکز مختلف است

آموزش‌های کوتاه‌مدت کارگاهی است، برای آشناکردن نیروی انسانی کتابخانه‌ها با برخی از موارد جدید که ممکن است درباره آنها اطلاعاتی نداشته باشند. کتابخانه ملی که -فرض شده است- از موضوع آگاه است، این افراد را آموزش می‌دهد. کاری که مرکز خدمات کتابداری در گذشته انجام می‌داد و کتابخانه ملی هم مدتی اجرا کرد. الآن اطلاعی ندارم که کارگاه‌هایی از آن نوع برگزار می‌شود یا خیر. ولی اساساً خدمتی که کتابخانه ملی می‌تواند به آموزش بکند، ایجاد دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد نیست. بلکه ایجاد زیرساخت‌های آموزشی است که استاد انوار نیز به آن اشاره کرد؛ یعنی نیازهای مراکز آموزشی از نظر اطلاع‌رسانی فراهم شود، صرف‌نظر از اینکه در چه رشته‌ای فعالیت می‌کنند. در بند ۳ اساسنامه تمرکز مطلق بر علوم ایرانی -اسلامی را روان‌ندانسته و گستره وسیع‌تری را مد نظر قرار می‌دهد

تحقیق، استانداردسازی و اولویت‌بندی به یاری آنها بشتابد. حتی خود کتابخانه ملی اگر بخواهد مجموعه‌اش را دیجیتالی کند، در مرحله اول باید ببینند موجودیشان چیست، این موجودی قبلاً چگونه سازماندهی شده، و مانند آن. خوب اینها همه بخشی از تحقیق است. زمانی که رئیس کتابخانه کنگره به ایران آمد، در همین زمینه از او سؤال شد که کار دیجیتالی کردن را به چه شکلی شروع کردید. در پاسخ اشاره کرد که ما مطالعه کردیم، اولویت‌بندی کردیم و در نتیجه کار را از نسخ خطی شروع کردیم، به دلیل اینکه امکان از دست رفتن آنها بیشتر بود، تلاش کردیم که نخست آنها را سازماندهی دیجیتالی کنیم.

نکته‌ای که می‌خواهم در مجموع اشاره کنم که اولاً آموزش و سپس پژوهش را باید به‌عنوان وظیفه کتابخانه ملی درست تفسیر کنیم. به قول استاد انوار، ما در روان‌شناسی یا فیزیک قرار نیست پژوهش کنیم؛ پژوهشی باید انجام گیرد که خدمات کتابخانه ملی را بهینه‌سازی کند. زیرا این عمل خدمت به کتابخانه‌های دیگر هم هست. چون نوعی مشاوره‌دهی است و مشاوره‌دهی نیز از وظایف کتابخانه ملی است. کسی که با کاربر و ارباب رجوع سروکار دارد و مستقیماً رویاروست، نباید چنین تلقی کند که پیشخوان‌دار است. کسی که با مراجعه‌کننده روبه‌روست، باید بتواند خدمات مشاوره‌ای بدهد، بنابراین نباید هرکسی را به این کار گماشت. باید کسی باشد که اشراف همه‌جانبه داشته باشد و بتواند کاربر را هدایت کند. در فضای فعلی ساختمان جدید کتابخانه ملی تعداد مراجعان بسیار زیاد است و انسان گاهی از این زیادی احساس نگرانی می‌کند. مبادا با وجود مراجعه زیاد، کتاب‌های کتابخانه مورد استفاده قرار نگیرد. باید به مراجعان مشاوره داد که بدانند در کتابخانه چه چیز هست و چه چیز نیست و چگونه می‌توانند از منابع استفاده کنند. مشاوران باید بدانند که چه کتاب‌هایی را به چه قشری معرفی کنند. طبعاً کاربران دبیرستانی و دانشگاهی و حتی استادان مراجعه‌کننده هریک به گونه‌ای نیازمند مشاوره هستند.

عرض من مشخصاً این است که آموزش به آن معنایی که در دانشگاه‌هاست، وظیفه کتابخانه ملی نیست. ممکن است کتابدارهای کتابخانه‌های مختلف نیاز داشته باشند که از نویافته‌های این رشته مطلع بشوند. البته به‌تناسب کاری که در کتابخانه خود انجام می‌دهند، آنان را می‌توان از طریق دوره‌های کوتاه‌مدت کارگاهی روزآمد کرد. اینکه دوره دانشگاهی برگزار کنیم و بعد مدرک بدهیم، یعنی درست کاری را که دانشگاه‌ها انجام می‌دهند، انجام دهیم، من این را

دکتر حری:
در کتابخانه ملی اگر آموزشی هست، از نوع آموزش‌های کوتاه‌مدت کارگاهی است، برای آشناکردن نیروی انسانی کتابخانه‌ها با برخی از موارد جدید که ممکن است درباره آنها اطلاعاتی نداشته باشند

و به گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب و غیرمکتوب معتبر علمی، فرهنگی، و فنی از کشورهای دیگر تأکید دارد؛ یعنی درواقع میزان تأکید بند ۳ درست برابر است با تأکید بند ۱ و ۲. ما نباید فقط محدود به نشر داخل باشیم. اینها جزء وظایف اساسی است، ولی ما را از تولیدات علمی و فرهنگی کشورهای دیگر بی‌نیاز نمی‌کند. کاری که کتابخانه کنگره می‌کند. در کتابخانه کنگره به‌وفور آثاری از ایران را می‌توان دید؛ به دلیل اینکه آنها وظیفه خود می‌دانند که آثار معتبری را که در جهان منتشر می‌شود، دریافت و سازماندهی کنند. می‌خواهم در دنباله سخنان آقای فانی تأکید کنم که ما تحقیق را نباید خودمان انجام دهیم، بلکه باید شرایط تحقیق را برای مراکز دیگر فراهم کنیم. یکی از وظایف کتابخانه ملی فراهم کردن شرایط و زیرساخت‌های تأمین نیازهای تحقیقاتی برای مراکز مختلف است. در اساسنامه آمده است که کتابخانه ملی باید به کتابخانه‌های دیگر ارائه خدمت کند. این خدمت به این شکل است که درباره یک سلسله مبادی

دور از وظایف کتابخانه ملی می‌دانم.

مدت کاری نیز به همین شکل بود. یعنی شما مراجعه‌کننده را هم باید آموزش بدهید که چه چیزی می‌خواهد و این از وظایف کتابخانه ملی است که البته پس از انجام وظایف اصلی وارد این حوزه شود. این حوزه به‌خصوص در زمینه پیشرفت و توسعه علمی و اجتماعی جامعه کتابخانه نقش اصلی را پیدا می‌کند. نقش اصلی که می‌تواند در زمینه تحقیق و توسعه اثر گذار باشد.

این امکانات که من خیلی تأکید می‌کردم در ایران شناسی و حوزه اسلام‌شناسی، به دلیل این بود که امکانات در این زمینه بیشتر است تا در زمینه پزشکی. درباره پزشکی من مثالی می‌زنم که در حال حاضر یک دایره‌المعارف پزشکی در حال انتشار است که فرهنگستان علوم پزشکی متصدی آن است. کتابخانه یا افرادی که در کتابخانه هستند یا اطلاعاتی که کتابخانه دارد، به‌عنوان یک نهاد اطلاع‌رسانی خیلی می‌تواند کمک کند، که مثلاً طرح تدوین چنین دایره‌المعارفی چگونه خواهد بود، منابعش از کجا می‌تواند گرفته شود. افرادی که می‌توانند تحقیق کنند در این حوزه کدامند. کتابخانه عملاً پس از مرحله اول گردآوری و سازماندهی منابع، به‌نحوی درگیر خود تحقیق عملی می‌شود و اینکه همیشه تکرار می‌کنند خود کتابخانه نباید تحقیق کند، البته مطلق نیست. به‌خصوص در دنیای امروز که کتابخانه‌های ملی دنیا به سمت کمک کردن به تحقیقات در حوزه علوم و فناوری‌های جدید قدم برمی‌دارند. در این زمینه کتابخانه ملی هم می‌تواند پیشگام و پیشرو باشد.

دکتر خسروی: یکی از وظایف کتابخانه ملی ایران هدایت و رهبری و الگوسازی برای سایر کتابخانه‌ها و به‌طور کلی هدایت حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور است. این الگوسازی و هدایت و رهبری نیاز به پژوهش دارد؛ یعنی اگر آن کتابخانه بخواهد اقتدار و مرجعیت علمی خودش را حفظ کند، طبیعتاً در این حوزه باید به‌طور مداوم دست به پژوهش بزند و هیئت‌های پژوهشی دائماً در حال فعالیت باشند. ایجاد استانداردها و ابزار لازم و ورود به بحث‌های نظری و عملی چگونگی بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله این وظایف است. اعتقاد دارم که نسل قبل از ما این وظیفه را خوب انجام داده‌اند. من باورم این است که نسل آقای فانی و خانم سلطانی، به‌عنوان نمایندگان نسل قبلی کتابداری کشور، به وظیفه خود بسیار خوب عمل کرده‌اند. گسترش رده‌ها از جمله آنهاست. این کار، کاری پژوهشی است. تدوین سرعنوان موضوعی

فانی: مسئله تحقیق را آقای دکتر حری خیلی عمیق‌تر مطرح کردند و من خیلی ساده‌تر گفتم. ولی اجازه دهید موضوع را بررسی کنیم. کار کتابخانه ملی در وهله اول البته همین تحقیق عادی است که در حوزه اطلاع‌رسانی کتابداری باید انجام دهد. ولی درباره تحقیق اصلی‌تر من مثالی از کتابخانه بریتانیا می‌زنم. یکی از درآمدهای مهم این کتابخانه مشاوره دادن به شرکت‌ها، کمپانی‌ها و مؤسسات خارجی است. فرض کنید مؤسسه‌ای طرح خیلی بزرگ را در یک حوزه دارد. حالا ممکن است این طرح حوزه شهرسازی باشد در برزیل یا حوزه نانو تکنولوژی باشد. کتابخانه بریتانیا می‌تواند منابع را در اختیار مجریان طرح بگذارد و نحوه اجرای مراحل تحقیق را هم مشخص کند؛ یعنی روش‌ها را بگوید و زمینه‌هایی را که برای رسیدن به هدف تحقیق لازم است، در اختیار مجریان طرح قرار دهد. طبعاً تحقیق در درجه اول به‌معنای تحقیق در آثار دیگران است که در این زمینه چه کارهایی انجام داده‌اند و بر این مبنای بینیم چه خلأهایی وجود دارد و چه روش‌هایی باید به‌صورت مشاوره انجام گیرد. از جمله مشاوره‌ها برای شخصی که می‌خواهد پایان‌نامه بنویسد و به کتابخانه ملی رجوع می‌کند. باید بخش مرجع و پاسخ‌گوی کتابخانه بتواند او را راهنمایی کند که به چه منابعی رجوع نماید و بیشتر بر چه منابعی تکیه کند، صحت منابع چقدر است، حدود کاربرد این منابع چه چیزی است، چرا که فقط با دادن اسم کتاب مشکل حل نمی‌شود. درواقع کل آن پروژه را می‌تواند بررسی کند.

به‌خصوص در حوزه‌های فنی و تکنیکی این مسائل را هم دربرمی‌گیرد، چون کتابخانه ملی دسترسی بیشتری به منابع دارد تا بتواند منابع را ارزیابی کند و با این کار باعث پیشرفت علوم می‌گردد. باعث می‌شود که بسیاری از محققان را جذب کند و همین امر زمینه‌ساز کار تحقیقی گسترده خواهد شد. برای اینکه کتابخانه به‌طور مستقیم این کار را انجام دهد، به بخش‌های مختلفی نیاز است. می‌دانم در گذشته هنگامی که از استادان دربارۀ مسئله‌ای در حوزه ریاضیات سؤال می‌شد، ایشان فقط منابع، اعم از کتاب و مقاله، را معرفی نمی‌کردند. بلکه از محقق جويا می‌شدند که مشغول انجام چه نوع تحقیقی هستی و چه روش‌هایی را انتخاب کرده‌ای؟ و سپس راهنمایی می‌کردند که فعلاً وارد این حوزه نشوید یا اینکه در این زمینه قبلاً کار شده است یا خیلی مشکلات در این حوزه خاص وجود دارد و غیره. موضوع مورد علاقه من در تمام

فانی:
کتابخانه‌های ملی
دنیا به سمت کمک به
تحقیقات در حوزه علوم
و فناوری‌های جدید
قدم برمی‌دارند. در این
زمینه کتابخانه ملی
هم می‌تواند پیشگام و
پیشرو باشد

دست هم نباشد. به نظر من اول باید از وضعیتی شروع کنیم که مناسب با این چیزی که داریم باشد. متأسفانه در کشور ما به طور کلی نه تنها در کار کتابداری بلکه در همه زمینه‌ها آخرین نظریه را می‌خواهند بگیرند، در حالی که مقدماتش را ندارند تا آن را عملی کنند. شما الان در کتابخانه ملی آیا کسانی را دارید که زبان عربی را به صورت خیلی ساده بتواند بخواند؟ این موضوع نقص نیست، شما باید در مرحله اول امور مقدماتی را آماده کنید تا بعد بتوانید پله پله مسیر را ببینید. شما آخرین کار تحقیقاتی و فنی را به عهده چه کسانی می‌گذارید؟ شما باید در انتخاب کارمند کتابخانه ملی دقت زیادی داشته باشید. پس از انتخاب آنها باید راه‌های اصولی را به آنها نیز نشان داد. صرفاً استخدام کارمند کارگشا نیست. شما می‌توانید برای کارهای عظیم برنامه‌ریزی کنید، اما اگر کار از پایه صحیح نباشد، هیچ‌وقت اجرا نخواهد شد. در حال حاضر کتابخانه ملی مقدار زیادی کتاب خطی خریداری کرده است و آن افرادی هم که آنجا هستند، با علاقه کار می‌کنند، اما آیا می‌توانید پاسخ‌هایی را که احتیاج به کتاب‌های خطی دارند، بدهید؟

فانی: حالا به نظر شما چه کاری باید انجام داد؟ مشکل اصلی کتابخانه از دید من نیروی انسانی‌اش است. اگر کسانی نباشند که این نکات را اجرا کنند، باید چه کار کنیم؟

انوار: من معتقدم که کار کتابداری کار اداری نیست. در آن زمان که من در کتابخانه ملی بودم، می‌گفتم اگر کسی به امر کتاب علاقه‌مند نیست، کاری را بارها و بارها هم به او بگویند، اجرایش نخواهد کرد، اما اگر شخصی به این کار علاقه‌مند باشد، خودش کار کتاب را می‌کند. من در دانشگاه صنعتی شریف درسی در فن سماع طبیعی دارم، دانشجویان از من خواستند که فن سماع طبیعی کتاب شفا را درس بدهم، من کتاب شفا را به سر کلاس بردم، ولی متأسفانه آنها نتوانستند اعراب عبارات ساده را ظاهر کنند، پس چگونه می‌توان به این دانشجویان فن سماع طبیعی را آموخت؟ ما باید تحول عمیقی در کار کتابداری ایران ایجاد کنیم. امروزه باید در کتابخانه ملی از افرادی که علاقه‌مندند، دعوت به کار کرد، چراکه شخص علاقه‌مند به تدریج تجربیاتی را از پیشکسوتان خود خواهد آموخت و آنها را به کار خواهد برد. برای مثال آقای فانی که وارد کتابخانه ملی شد، علاقه‌مند بود و خوب کار کرد. من بر این اشکال بزرگ در کتابخانه ملی تأکید می‌کنم.

فارسی کار مهم دیگری است. در بسیاری از کشورهای اروپایی سرعنوان موضوعی به زبان خاص آن کشور تدوین نشده و مجبورند از انگلیسی آن استفاده کنند؛ اصطلاح‌نامه‌ها و سایر کتاب‌های مرجعی که در کتابخانه ملی منتشر شده، همگی حاصل کارهای پژوهشی است و این پژوهش‌ها باید تداوم یابد تا کتابخانه ملی بتواند مرجعیت علمی خود را برای سایر کتابخانه‌ها در حوزه کتابداری کشور حفظ کند. اگر این امر تضعیف شود، مرجعیت آن کتابخانه هم تضعیف خواهد شد. این موضوع امری نیست که بتوان آن را بخشنامه کرد و اعلام شود که چون در اساسنامه آمده است، پس کتابخانه‌ها موظفند که تبعیت کنند. اگر کتابخانه ملی حاصل این کارهای پژوهشی را به کارگیرد و در عمل نشان دهد که نسخه‌هایی که می‌پیچد، نسخه‌های درست و کاربردی است، طبیعتاً سایر

دکتر حری:

کتابخانه ملی مسئله نیروی انسانی را باید جدی بگیرد. این نکته‌ای است که اگر ما در مدیریت‌هایمان به آن توجه نکنیم، بر کتابخانه ملی همان خواهد رفت که قبلاً رفته است

کتابخانه‌ها هم تبعیت خواهند کرد. در حال حاضر اگر در شهر دورافتاده‌ای هم کسی بخواهد فهرست‌نویسی کند، مسلماً از سرعنوان فارسی و فهرست‌ها و ابزارهای کتابخانه ملی استفاده خواهد کرد. یکی از وظایف مهم دیگر کتابخانه ملی پژوهش و آموزش در حوزه کتابداری و علم اطلاعات است. کارهای پژوهشی دیگر را نمی‌کنم، ولی می‌خواهم بگویم که این حوزه، حوزه برجسته‌ای است. پژوهش‌های کاربردی، آموزش کلاسیک، آموزش غیرکلاسیک، تشکیل کارگاه‌ها، تشکیل دوره‌های آموزش ضمن خدمت به طور دقیق در حوزه اهداف کتابخانه است. مسلماً کتابخانه ملی می‌تواند درباره سایر نهادهای پژوهشی و آموزشی به این وظایف عمل کند.

انوار: نظرات آقایان بسیار خوب است، اما با زمینه‌ای که شما الان دارید آیا در آینده چنین چیزهایی امکان دارد یا نه؟ چون این آموزش و اطلاعات باید از طریق افرادی انجام شود. آیا چنین همکاری را دارید؟ شاید تعداد آنها به تعداد انگشت‌های

که از بخش‌های مهم کتابخانه ملی است، از نظر نیروی انسانی در وضع مناسبی نیست.

دکتر خسروی: در مدیریت نوین عنصر منابع انسانی و عنصر زمان دو عنصر کمیاب قلمداد می‌شود. قبلاً به گونه‌ای دیگر به آن نگاه می‌شد. متأسفانه باید بگوییم که مشکل منابع انسانی تقریباً گریبان‌گیر مدیریت کل کشور است. در همه مؤسسات و نهادها این مشکل به اشکال مختلف رخ می‌نماید. این را باید حاصل نوع آموزش فله‌ای در دانشگاه‌هایمان بدانیم. یک مرکز آموزشی برای کارشناسی ارشد ۴۰ دانشجو را برای یک ترم پذیرش می‌کند و دو نفر هیئت علمی هم ندارد. این افراد یک سال و نیم دیگر فارغ‌التحصیل می‌شوند. از سوی دیگر قرار است کتابخانه ملی به نوعی و مراکز دیگر به نوعی دیگر نیرو جذب کنند. در این میان قواعد و قوانین به مراکز و ادارات اعلام می‌کند که باید به‌منظور جذب نیرو در روزنامه سراسری آگهی دهند که متقاضیان با شرکت در کنکور گزینش شوند. بعضی از اینها هم برای استخدام شدن در کلاس کنکورهای زیادی شرکت می‌کنند. طبیعتاً نخبه‌گزینی ممکن است با حواشی دیگری که دارد، به انتخاب احسن ختم نشود. این ورود و گزینش با آنچه موردنظر استادان است، مغایرت دارد. طبیعتاً افرادی که از این طریق وارد محیط کار می‌شوند، آن عشق به کار را که پیشکسوتان از آن سخن می‌گویند، ندارند. فعالیت درون‌جوش هم در آنان مشاهده نمی‌شود که بتوانند جذب کار شوند. آهسته‌آهسته آنان به مستخدمین رسمی تبدیل می‌شوند که صرفاً آمده‌اند تا از منافع مدرکشان استفاده کنند. صبح هم که می‌آیند می‌خواهند به‌گونه‌ای زمان را سپری کنند و سریع‌تر اداره را ترک کنند و بروند. حتی گاهی این افراد مانع کار افراد فعال هم می‌شوند. این مشکل بسیاری از جاهاست. گرچه در این مجموعه‌ها هم گاهی جرقه‌ها و درخشش‌هایی هم دیده می‌شود. آدم‌های علاقه‌مند و عاشقی هم پیدا می‌شوند که بار بسیاری را به دوش می‌کشند. اگرهم الآن کاری انجام می‌شود، حاصل این نوع عشق و فداکاری‌هایی است که برخی در وجودشان دارند. حالا با چه فرمولی می‌شود تعداد این عاشقان را زیاد کرد. این را پیران قوم بفرمایند تا ما هم یاد بگیریم.

دکتر حری: اشاره شد به آنچه در بیرون از عرصه استخدام اتفاق می‌افتد. اما نکته اساسی این است که ما در همین محیط و با همین شرایط باید برنامه‌ریزی کنیم. ما این

اگر کارمند علاقه‌مند داشته باشید، خودش راه‌حلش را پیدا می‌کند. آن وقت هر چقدر هم به او آموزش دهید، راحت است. نباید بنشینید که در آینده چه می‌شود. در این صورت مثل حرف‌هایی است که گفته‌اند و می‌گویند، ولی انجام هم نمی‌شود. به نظر من کتابخانه ملی حداقل از نظر مرجع‌دهی باید پایگاه علمی این کشور باشد.

دکتر حری: هنگامی که طرح ساختمان جدید کتابخانه تصویب شد و هنوز ساخت‌وساز آن آغاز نشده بود، در جلسه‌ای (تعدادی از عزیزانی که اینجا در خدمتشان هستیم تشریف داشتند) من به رئیس وقت کتابخانه ملی گفتم که از همین حالا که طرح تصویب شده باید به فکر نیروی انسانی بود، در غیر این صورت در این ساختمان عریض و طویل باد حرکت خواهد کرد. آقای فانی به‌درستی اشاره کردند که بدون نیروی انسانی ما فقر برنامه‌ریزی داریم. در برنامه‌ریزی باید درباره نیروی انسانی کار کرد. شما برنامه‌ای را می‌نویسید، ولی تا زمانی که مجری نداشته باشد، هیچ ثمری نخواهد داشت. بنابراین، کتابخانه ملی مسئله نیروی انسانی را باید جدی بگیرد. این نکته‌ای است که اگر ما در مدیریت‌هایمان به آن توجه نکنیم، بر کتابخانه ملی همان خواهد رفت که قبلاً رفته است.

فانی: دکتر حری اشاره کردند که مسئله اصلی کتابخانه این است که کتابخانه با ساختار جدید، نیاز به نگاه جدید هم دارد. مسئله این بود که با نیروی انسانی باید چه کار کنیم؟ درحقیقت شاید هم تقصیر ما بود که برنامه‌ریزی صحیحی نکردیم. ولی من شاهدیم که در تمام این مدت با افت شدید نیروی انسانی مواجه هستیم. کمیته که کیفیت را بسیار پایین آورده است. من معتقدم به‌شکل دیگری به موضوع نگاه کنیم و آن اینکه چگونه باید از این نیروها استفاده کنیم. معمولاً کارهای روزمره کتابخانه امور دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتیجه‌اش این می‌شود که موتور اصلی فکری کتابخانه کم‌کم کند می‌رود و ناپدید می‌شود. فضای کتابخانه هر چقدر بزرگ‌تر می‌شود، درواقع نوعی گریز از مرکز هم پیدا می‌شود. اوایل که تعدادمان کمتر بود، شاید راحت‌تر می‌توانستیم مسائل تحقیقی خودمان را حل کنیم. اما با وسعت یافتن کتابخانه حوزه‌ها هم تعددتر شدند و به همین نسبت از هم دورتر شدند. به‌نحوی که ارتباط منسجم و سازمانده‌ی شده بین اعضای کتابخانه گسسته شد. چگونه می‌توان در تمام نیروی انسانی کتابخانه تحولی ایجاد کنیم. برای مثال «اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی»

فانی:
معمولاً کارهای روزمره کتابخانه امور دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتیجه‌اش این می‌شود که موتور اصلی فکری کتابخانه کم‌کم کند می‌رود و ناپدید می‌شود

که البته با مخالفت‌های داخلی و خارجی از این تصمیم منصرف شد. ولی پس از چاپ اول دیگر مجلدات آن به چاپ نرسید و مدت هفت یا هشت سال معطل ماند تا آن مدیر کل بازنشسته شد و مدیر کل جدید بعد از او بی‌خبر از کار کتابخانه آمد. او کاری که برای منابع خطی کرد آن بود که برای هر سال پانصد تومان پول به‌منظور خرج چاپ هر جلد از فهرست اختصاص داد که متأسفانه پس از چاپ هر جلد دویست یا سیصد تومان کم می‌آورد که من ناچار بودم از حقوقم این کمبود را جبران کنم. خوشبختانه او هم بازنشسته شد و مدیر کل دیگری آمد. گرچه او به‌کار کتابداری وارد نبود، ولی فرد منظمی بود و می‌خواست کار کند. با پیشنهادی که به او کردیم، یک کمیته فنی تشکیل داد و با هدایت این کمیته و جدیت خود بازتکانی به کتابخانه داد و به زمان او برگه‌های کتابداری کتاب‌های چاپی به‌شکل جدید نوشته شد و کتابخانه رونقی یافت. وقتی که او از کتابخانه رفت، آن انتظام به هم خورد و حوادث انقلاب پیش آمد و البته من در این وقت بازنشسته بودم و می‌شنیدم مرتب مدیر کل‌های کتابخانه تعویض می‌شوند. این وضع ادامه داشت که خوشبختانه مسئله مکان و تنگی جا با ساختمان جدید حل شد و بودجه کتابخانه از قرار مسموع خیلی اضافه شده و می‌گویند خرید کتاب به‌خصوص نسخ خطی زیاد شده و با علاقه‌ای که مشاهده می‌شود که یکی از جلوه‌های آن همین جلسه امروز می‌باشد، امید است کتابخانه ملی یکی از کتابخانه‌های نمونه جهان شود، یعنی آنچه آرزویم بوده است.

دکتر مرادی: در مرکز خدمات کتابداری امکاناتی را که وجود داشت، به‌مراتب کمتر از کتابخانه ملی الان بود. در آنجا سرعنوان موضوعی وجود نداشت. سرعنوان فارسی که اصلاً تالیف نشده بود. تنها تجربه‌ای که می‌توانم بگویم در آن دوره انجام شده بود، کار آقای دکتر حری بود که جزوه بسیار کوچکی سی، چهار صفحه‌ای برای آموزش کتابداری مرکز خدمات کتابداری تهیه کرده بودند که دوره‌های کوتاه‌مدت را بر مبنای آن انجام می‌دادند. این در واقع اولین قدمی بود که برداشته شد. بعد یک سرعنوان موضوعی از کتابخانه انجمن ایران - آمریکا توسط آقای مظاهر و خانم تفضلی قرض گرفتیم و بعد اینها را زیراکس کردیم. برای زیراکس از کاغذای پازیتو و نگاتیو استفاده می‌کردند. مثبت و منفی داشت بعد از شاید ۱۰، ۱۵ روز الکتروسیسته ساکن ایجاد کرد و تمام صفحه‌ها به هم می‌چسبید و امکان ورق‌زدن وجود نداشت و این کل سرعنوان موضوعی بود که اینها داشتند با سه چهار تا فتوکپی

موضوع را نمی‌توانیم تغییر بدهیم، ولی می‌توانیم بهینه‌گزینی کنیم. چه‌بسا از میان متقاضیان کسانی باشند که با پشتوانه قوی می‌خواهند وارد شوند، ولی موانعی هست که شما هیچ کاری نمی‌توانید بکنید و باید به آن اتفاق تن داد. به‌اعتقاد من ما با دو نوع نیرو سروکار داریم. نیروهای بالفعل که الان هستند و نیروهای بالقوه‌ای که ما می‌خواهیم بعداً بگیریم. برای نیروهای بالقوه می‌شود اصولی را تعریف کرد، ولی برای نیروهای فعال موجود تنها راه این است که یک نفر را به‌عنوان هسته و مرکز اصلی انتخاب کنیم تا چند نفر را آموزش دهد. همان شیوه‌ای که در گذشته‌ها بود و هر نفری چند نفر را اطرافش داشت و به آنها آموزش می‌داد. اما مشکلی که وجود دارد حضور افرادی است که تن به کار نمی‌دهند، حقوق می‌گیرند بدون اینکه کار کنند و کارنامه‌ای می‌کنند؛ یعنی وانمود می‌کنند که کار می‌کنند

خسروی:

**مشکل منابع انسانی را باید حاصل
نوع آموزش فله‌ای در دانشگاه‌هایمان
بدانیم. یک مرکز آموزشی برای
کارشناسی ارشد ۴۰ دانشجو را برای
یک ترم پذیرش می‌کند و دو نفر هیئت
علمی هم ندارد**

و این افراد را مدیریت باید به‌درستی شناسایی کند و آنها را موظف کند که کم‌کاری نکنند. به این شکل کسانی که عاشقانه کار می‌کنند، دل‌سرد نمی‌شوند.

انوار: اگر صاحبان تصمیم در کتابخانه ملی به کتابخانه علاقه داشته باشند، کتابخانه خوب می‌تواند پیشرفت کند. خوب به‌خاطر دارم قبل از آنکه آقای دکتر ایرج افشار به کتابخانه بیاید، کتابخانه محیطی بود برای مشت‌ی بیکار که از همه جا رانده شده و به کتابخانه فرستاده شده بودند. روزی که آقای دکتر افشار به کتابخانه آمد، با تعدادی کارمند برخورد کردند که ماهیانه می‌گرفتند، نه‌تنها کار نمی‌کردند بلکه مزاحم‌هایی بودند که می‌خواستند کار کنند. ایشان با نهایت دقت و با نظم بسیاری واقعاً کتابخانه را تکان داد. من در فهرست نویسی منابع خطی خیلی مدیون ایشانم. زیرا ایشان اساس کار را گذارند. چه وقتی ایشان رفت، جلد اول فهرست من نیمه‌کاره بود، مدیر کل دوم آمد می‌خواست آن را در چاپ به نیمه نرسیده متوقف کند

گام را برداشته و مسیر نظام ملی را هموار کرده است.

آقای مرادی: آقای دکتر حری آیا کتابخانه ملی می تواند نقشی در اشاعه علم در کل جامعه داشته باشد؟ منظوم ارتباط با کتابخانه های تخصصی و کمک به دانشمندان نیست، بلکه برای عامه مردم است.

دکتر حری: این امر اساساً جزء وظایف کلیدی کتابخانه ملی است که اشاعه علم را به صورت علمی انجام بدهد. اگر سازماندهی به منظور اشاعه صورت می گیرد، صحت، سهولت و سرعت اطلاع رسانی برای امر تحقیق سه مفهوم کلیدی هستند که کتابخانه ملی می تواند آنها را تحقق بخشد و من خاطر هست زمانی که قرار بود ساختمان جدید تقسیم بندی شود، دوستانی در کتابخانه ملی بودند صحبت از دیارتان های متعدد علمی می کردند. قرار بود دیارتان های تخصصی در رشته های مختلف ایجاد شود که ظاهراً چنین نشد، ولی نماد کم رنگی از آن به صورت اطلاع رسانی عمومی و اطلاع رسانی تخصصی پدید آمد. همه اینها دوباره به دو بحث برمی گردد؛ یکی اینکه مجموعه را آنگونه ببینیم که بتوانیم خدمات علمی را به متقاضیان مختلف عرضه کنیم. دوم اینکه افرادی را برای بخش ها شناسایی کنیم که بر آن حوزه ها اشراف داشته باشند. پس باز مسئله نیروی انسانی مطرح است و بدون داشتن نیروی انسانی و اشراف لازم هدایت لازم انجام نمی شود. توسعه علم درست است که به وسیله متون صورت می گیرد، اما ناقل ها و میانجی هایی برای این کار لازم است. نیروی انسانی را از هر منظری که به آن نگاه می کنیم باید جدی گرفت.

ما غیر از اشاعه اطلاعات به معنای عام کلمه، واقعاً برای اشاعه اطلاعات بومی مسئول، موظف و مکلف هستیم. نسل جوان ما از آن مطلع نیست، در نتیجه احساس می کند پشتوانه فرهنگی ندارد، پس از نظر ذهنی در اختیار غرب قرار می گیرد. این ظلم بزرگی است به جوان هایی که واقعا ناآگاهانه عمل می کنند. من نمی خواهم بگویم که همه اینها از وظایف کتابخانه ملی است، ولی می تواند زیر ساخت های لازم را فراهم کند.

دکتر مرادی: از حضور میهمانان در این جلسه سپاسگذارم.

۱. کتابخانه ملی در آغاز تأسیس، به عنوان یک اداره کل زیر نظر وزارت فرهنگ وقت اداره می شد.

این چنینی. آنجا بود که بحث کشیده شد برای اولین بار که اگر ما بخواهیم سرعنوان موضوعی داشته باشیم، آیا می توانیم سرعنوان موضوعی کتابخانه کنگره را به فارسی ترجمه کنیم. یک کار چندماهه انجام دادند و به بن بست خوردند. بعد تجربه کشورهای دیگر مثل کره جنوبی نشان داد که این کار غلط است. به دنبال ساختن سرعنوان موضوعی رفتند که برای ساختن آن مجبور شدند، مطالعه بکنند که سرعنوان موضوعی چه ضوابطی دارد. می بینید تحقیقی که اینجا صورت گرفت، تحقیق کتابدارانه بود. برای انجام این کار، کتابداری در خدمت کتابخانه ملی قرار می گرفت و واقعاً برای کمک به کتابخانه ملی، جامعه کتابداری، محققان و کتابداران مشغول به کار می شد. این در واقع گروه اول کمک های کتابخانه ملی است. گروه دوم هم کمکی است که کتابخانه ملی از طریق نظام ملی اطلاع رسانی به کتابخانه های دیگر کشور می کند. این کتابخانه ها مثلاً کتابخانه های تخصصی، دانشگاهی، مدارس و عمومی هستند که به قشرهای مختلف مردم خدمات ارائه می دهند. پس کتابخانه ملی دو نوع کمک خواهد داشت و برای هر دوی اینها هم به تحقیق نیاز دارد.

دکتر حری: الان اتفاقی در مملکت دارد می افتد که این تصمیم سازمانی نیست، بلکه فراسازمانی است. الان مرکز اطلاع رسانی علمی و فنی منطقه ای شیراز، دست کم درباره مقالات خاصی، (مقالات و مجلات علمی) مسئولیتی قانونی دارد. پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی مسئول پایان نامه ها شده است. این دو وظیفه، زیرمجموعه کارهای کتابخانه ملی تعریف شده است. کتابخانه ملی قطعاً قدرت آن را ندارد که آنها را منع کند، چون آنها کار قانونی می کنند. تنها راه این است که با آن نهادها همکاری شود، یعنی تمام ضوابط و استانداردهای مرتبط با مجلات یا پایان نامه ها آنها داده شود و خود کتابخانه ملی هم مقالات و پایان نامه های مجموعه اش را طبق همان الگو پردازش بکند، تا پراکندگی بازایی پدید نیاید. اگر فکر می شود که این کار دشوار است یک قانونی ببرند به مجلس تا پایان نامه ها مطلقاً از بدنه کتابخانه ملی خارج شود و در اختیار نهاد دیگری قرار گیرد یا برعکس. آنچه هم که موجودی دارد تحویل آنها بدهد. آنچه نگران کننده است، ناهماهنگی در سازماندهی، اشاعه و ارائه خدمات است. این کاربر را دچار سردرگمی می کند. اینها باید حل شود. اگر کتابخانه ملی بتواند میان عملکرد کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی کشور وفاق و هماهنگی ایجاد کند، بزرگ ترین

دکتر حری:
ما غیر از اشاعه
اطلاعات به معنای عام
کلمه، واقعاً برای اشاعه
اطلاعات بومی مسئول،
موظف و مکلف هستیم